در آستانه روز پدر اتفاق افتاد

تعبیر شیرین خواب مادر برای مرد اعدامی

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ زندانی محکوم به مرگ که به خاطر یک خواب از مرگ نجات یافته بود، بعد از آزادی همراه مادر مقتول به زیارت بارگاه مقدس امام علی(ع) رفت.

به گزارش «ایران»، این پرونده از شهریور سال ۱۳۹۴ با قتل پسری جوان در یکی از پارک‌های اطراف تهران مورد رسیدگی قرار گرفت.

عامل جنایت که در همان پارک شناسایی و دستگیر شده بود، در اعترافاتش گفت: «در پارک نشسته بودیم و مقتول و دوستانش هم مشغول توپ بازی بودند اما مدام توپ آنها به سر و صورت ما می‌خورد. چند باری تذکر دادیم اما بی فایده بود تا اینکه عصبانی شدم و با چاقویی که به همراه داشتم، توپ آنها را پاره کردم و باهم درگیر شدیم. من با چاقو ضربه‌ای به امیر زدم و او نقش زمین شد. من قصدم کشتن نبود؛ حتی زمانی که مقتول روی زمین افتاد، از دیگران کمک خواستم و با گوشی تلفن همراه خودم به اورژانس زنگ زدم و اگر مردم هم مرا دستگیر نمی‌کردند، من خودم را معرفی می‌کردم.»

به دنبال اعترافات متهم و با تکمیل تحقیقات، پرونده با صدور کیفرخواست به دادگاه کیفری ارسال شد. پسر جوان در دادگاه پای میز محاکمه رفت و از مادر مقتول که تنها ولی دم بود، درخواست بخشش کرد اما وی خواهان قصاص شد.

خواب نجات‌بخش

با تأیید حکم در دیوان عالی کشور، پرونده برای اجرا به دادسرا ارسال شد و متهم و خانواده‌اش چندین بار برای گرفتن رضایت با مادر مقتول تماس گرفتند. حتی جلسات صلح و سازش بسیاری نیز برگزار شد اما وی همچنان خواهان قصاص بود.

در این مدت میلاد در زندان با انجام کارهای خیرخواهانه و کمک به زندانیانی که برای آزادی نیاز به پول داشتند شروع به اقدامات انسان‌دوستانه کرد و با فروش اموالش و ارثیه‌ای که به او رسیده بود، به زندانیان کمک می‌کرد تا آزاد شوند.

در حالی که چند روز به اجرای حکم قصاص مانده بود، اتفاق عجیبی رخ داد و مادر مقتول خواب دید که در حرم حضرت علی(ع) است و پسرش و میلاد هم در حرم حضور دارند و هر سه مشغول زیارت هستند. امیر هنگام زیارت رو به مادرش کرد و گفت «مادر میلاد» را ببخش؛ با قصاص او کمکی به من نمی‌کنی.»

شرطی برای بخشش

وقتی مادر از خواب پرید، هنوز صدای پسرش در گوشش می‌پیچید که می‌گفت مادر، قاتلم را ببخش و همان روز به واحد صلح و سازش دادسرا مراجعه کرد و تنها به یک شرط از قصاص قاتل فرزندش پس از ۱۰ سال گذشت کرد.

زن میانسال گفت: «به خاطر خوابی که دیدم و از آنجایی که تولد حضرت علی(ع) نزدیک است، از قصاص قاتل فرزندم می‌گذرم و می‌خواهم هزینه دیه فرزندم را به چند پدر معلول و نیازمند ببخشم که شرمنده خانواده نباشند.»

با قبول این شرط، میلاد از زندان آزاد شد و همراه مادر مقتول به زیارت بارگاه حضرت علی(ع) رفت تا به نیابت از مقتول نیز زیارت کند و خوابی که زن میانسال دیده بود به حقیقت تبدیل شود.

دادگاه کیفری

محاکمه مرد ۸۰ ساله به اتهام قتل پسرش

گروه حوادث-کامران علمدهی/ مرد سالخورده که در یک درگیری خانوادگی پسرش را به قتل رسانده در حالی پای میز محاکمه ایستاد که همسرش از قضات دادگاه خواست او را به مجازات برسانند.

به گزارش «ایران»، اوایل سال گذشته دختری جوان در تماس با پلیس گزارش قتل برادر ۱۸ ساله‌اش را اعلام کرد. مأموران پس از حضور در محل که خانه‌ای در شرق تهران بود به بررسی‌های اولیه پرداختند و پدر ۸۰ ساله به قتل پسرش با چاقو اعتراف کرد.

مرد سالمند دستگیر شد و در تشریح ماجرا گفت: «روز حادثه بابک به خاطر پول با مادر و خواهرش دعوا کرده بود وقتی متوجه شدم که او با گوشت‌کوب و چاقو به سراغ خواهرش که در طبقه سوم همان ساختمان بود رفته با عجله به سراغش رفتم و باهم درگیر شدیم و من در یک لحظه کنترلم را از دست دادم و چاقو را از بابک گرفتم و دوضربه به او زدم.»

خواهر مقتول نیز گفت: «من، همسر و فرزندم در خانه بودیم که صدای درگیری و جر و بحث بابک با مادرم را شنیدم به آنجا رفتم و دیدم بابک با مادرم درگیر شده است. خواستم مانع شوم که من را بیرون انداخت و چند دقیقه بعد هم صدا قطع شد. بعد از پیگیری فهمیدم کارت بانکی مادرم را گرفته و از خانه بیرون رفته. حدود ساعت ۱۲ شب بود که بابک دوباره آمد و در خانه من را زد و با چاقو و گوشت‌کوب به من حمله کرد. پدرم با صدای جیغ و فریاد من خودش را به واحد ما رساند و با چاقو از پشت بابک را زد.»

بعد از پایان بازجویی‌ها و صدور کیفرخواست، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۲ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه مادر مقتول به جایگاه رفت و گفت: «پسرم معتاد نبود و با کسی هم مشکلی نداشت. من بعد از قتل پسرم خانه‌ام را جدا کردم اما از همسرم جدا نشدم و طلاق هم نمی‌گیرم. الان هم آمدم تا بگویم من رضایت نمی‌دهم و همسرم باید مجازات کاری که انجام داده را تحمل کند.»

بعد از آن برادر مقتول گفت: «برادرم اعتیاد نداشت اما گاهی ماده مخدر گل می‌کشید. او مشکلات عصبی داشت و من برادرم را نزد مشاور برده بودم و کمکش می‌کردم تا مشکلش حل شود. حتی بابک را در چند کلاس ثبت‌نام کرده بودم تا کار و تخصصی یاد بگیرد.» در ادامه متهم که با وثیقه آزاد بود و به سختی راه می‌رفت به جایگاه رفت و با گریه گفت: «من را اعدام کنید من ندانم‌کاری کردم و حالا هم پشیمانم. خودم با دست خودم پسرم را کشتم. روز حادثه وقتی دیدم با چاقو به خانه خواهرش رفته عصبانی شدم و نفهمیدم که چه شد با چاقو دو ضربه از پشت به او زدم. حالا هم فقط افسوس می‌خورم که چرا آن کار را انجام دادم و از همسرم می‌خواهم تا من را ببخشد.»

با پایان اظهارات متهم قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

۴ کشته در تصادف شبانه پژو ۲۰۶

گروه حوادث/ برخورد شدید یک خودروی پژو ۲۰۶ با پایه تابلوی شهری ۴ کشته برجا گذاشت.

جلال ملکی سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران با تشریح جزئیات این حادثه گفت: «حدود ساعت ۹ شب دوشنبه، یک مورد حادثه تصادف در جاده دماوند به سمت غرب، مقابل خیابان سازمان آب، به سامانه ۱۲۵ اعلام شد که بلافاصله نیروهای آتش‌نشانی به محل اعزام شدند. با حضور آتش‌نشانان در محل مشخص شد یک دستگاه خودروی پژو ۲۰۶ صندوق‌دار به دلایل نامشخصی از مسیر اصلی منحرف شده و پس از عبور از روی جدول‌های کنار جاده، به‌شدت با پایه تابلوی جهت‌نما و همچنین یک دستگاه موتورسیکلت برخورد کرده بود. دو نفر از سرنشینان پژو ۲۰۶ به احتمال زیاد بر اثر شدت برخورد به بیرون از خودرو پرتاب شده و جان خود را از دست داده بودند. همچنین دو سرنشین دیگر داخل خودروی به‌شدت متلاشی‌شده محبوس بودند که آتش‌نشانان با انجام عملیات نجات، آنها را از خودرو خارج کردند، اما متأسفانه این دو نفر نیز فوت کرده بودند.

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران گفت: «در این حادثه چهار نفر از سرنشینان خودروی پژو شامل سه نفر حدود ۲۷ ساله و یک نوجوان حدود ۱۵ ساله جان باختند. همچنین راکب موتورسیکلت که در محل حادثه حضور داشت، دچار مصدومیت و برای ادامه درمان تحویل عوامل اورژانس شد.

سرقت خشن طلاهای مادربزرگ

گروه حوادث/ ۲ سارق زورگیر که با ورود به یک خانه و ضرب و شتم زنی سالمند مقدار زیادی طلا و ۲ دستگاه تلفن همراه را به سرقت برده بودند دستگیر شدند.

سرهنگ «حسن علی اکبری» رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان اصفهان گفت: «در پی وقوع سرقت از خانه یک زن در شهر اصفهان موضوع در دستور کار کارآگاهان اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی استان قرار گرفت. با تحقیقات صورت گرفته مشخص شد ۲ سارق با ضرب و شتم زن سالخورده وی را بشدت مجروح کردند و وقتی همسایه این زن متوجه سر و صدا شد و به خانه او رفت تا ببیند ماجرا چیست سارقان دست و پای او را نیز بسته و مقادیری طلا و ۲ دستگاه تلفن همراه را به سرقت برده و از محل متواری شدند.» رئیس پلیس آگاهی فرماندهی انتظامی استان گفت: «با اقدامات تخصصی و هوشمندانه پلیسی ۲سارق این پرونده شناسایی و در عملیات ضربتی دستگیر شدند که در بازرسی از مخفیگاه آنها طلاهای مسروقه کشف شد. سارقان در تحقیقات کارآگاهان به جرم خود و فروش گوشی‌های مسروقه به یک مالخر اقرار کردند که در عملیاتی دیگر مالخر نیز دستگیر و در بازرسی از مخفیگاه وی ۲ دستگاه تلفن همراه مسروقه کشف شد.» به گزارش پلیس، سرهنگ علی اکبری ارزش اموال به سرقت رفته توسط این سارقان را حدود ۱۰ میلیارد ریال اعلام و گفت: «متهمان با تکمیل پرونده برای انجام اقدامات قانونی به مرجع قضایی معرفی شدند.»

قتلی که مرد همسایه به خاطر یک زن مرتکب شد

گروه حوادث/ راز قتل مرد جوانی که هنگام رفتن به سر کار از سوی دو موتورسوار کشته شده بود، با دستگیری دو افغانستانی فاش شد.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این قتل ساعت ۱۰ صبح ۳ دی رخ داد و خیلی زود موضوع به بازپرس سالار صنعتگر و تیم بررسی صحنه جرم اعلام شد. با حضور در محل، آنها با جسد مرد جوان در حالی که با ۱۲ ضربه چاقو به قتل رسیده بود مواجه شدند. در بررسی جیب‌های مقتول، مدارک شناسایی او به دست آمد و مشخص شد محل سکونت مقتول در همان حوالی بوده و هنگام رفتن به محل کارش توسط دو مرد موتورسوار که صورت‌ها و پلاک موتور را پوشانده بودند، به قتل رسیده است. در بررسی‌ها مشخص شد مقتول با همسرش اختلاف داشته؛ همچنین زن جوان با مردی افغانستانی به نام حفیظ ارتباط پنهانی داشته است. بنابراین وی بازداشت و در ادامه حفیظ نیز دستگیر شد. با گذشت ۶ روز از جنایت، مرد جوان به قتل با همدستی یکی از هم‌ولایتی‌هایش اعتراف کرد و گفت: «من همسایه مقتول بودم و از یک سال قبل با این زن آشنا شدم. وقتی فهمیدم با هم اختلاف دارند، پیشنهاد قتل را مطرح کردم و روز حادثه با تعقیب مقتول با همدستی دوستم او را کشتیم.»

با اعتراف متهم به قتل، همدستش نیز بازداشت شد و به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی پایتخت در اختیار کارآگاهان اداره دهم قرار گرفتند.

دادگاه خانواده

طلاق به خاطر کافه‌گردی پسرجوان

گروه حوادث/ نم نم باران هوا را دلنشین کرده بود. نزدیک دکه روزنامه‌فروشی مقابل دادگاه خانواده پسری جوان لبه جدول پیاده‌رو نشسته و در رویاهای خودش غرق بود. لحظاتی بعد دختری جوان با عجله به او نزدیک شد و در حالی که نگاه شماتت باری به او انداخت، گفت: «اینجا هم دست از بی‌خیالی و بی‌مسئولیتی برنمی‌داری کلی دنبالت گشتم مگه قرار نبود ساعت ۱۰ دم شعبه باشی بلند شو دیر شد.»

بعد با هم به سمت حیاط دادگاه خانواده به راه افتادند. وقتی وارد شعبه دادگاه شدند، مدیر دفتر قاضی نگاهی به آنها کرد و گفت کجا بودید؟ خیلی صدایتان زدم اما اعلام حضور نکردید. دختر نگاهی به همسرش انداخت و قبل از اینکه حرفی بزند مدیر دفتر شعبه گفت: «زودتر وارد شوید قاضی منتظر شماست.» وقتی زوج جوان وارد اتاق شدند، قاضی سرش را از روی پرونده بلند کرد و گفت: «هنوز یک سال از امضای سند ازدواجتان نگذشته چرا آنقدر سریع تصمیم به جدایی گرفتید؟»

دختر جوان با بغض گفت: «از دست رفتارهای سینا خسته شدم اگر می‌دانستم آنقدر بی‌مسئولیت و بی‌خیال است اصلاً با او ازدواج نمی‌کردم. جناب قاضی ما با هم در یک کافه آشنا شدیم. آنجا مافیا بازی می‌کردیم. چند ماه دوست بودیم و بعد هم ازدواج کردیم. دو ماه دیگر سالگرد ازدواجمان است. اما در این مدت او بیشتر دنبال رفیق‌بازی و کافه‌گردی بوده تا زندگی مشترک. کار و بار درست و حسابی هم که ندارد، دائم در این کافه و آن کافه در حال خوشگذرانی با دوست و رفقایش است. اوایل من هم با او می‌رفتم اما کم کم احساس کردم او هیچ علاقه‌ای به خانه و زندگی مشترک ندارد و به ازدواج مثل بازی نگاه می‌کند. اصلاً به فکر زندگی نیست، مدام دخترانی در صفحه اینستاگرام به او پیام می‌دهند و او را دعوت به جلسات خصوصی بازی مافیا می‌کنند. من دوست ندارم همسرم با آنها بیرون برود. وقتی یک بار به‌شدت دعوایمان شد، قول داد که دیگر دور کافه و بازی و دختران غریبه را خط بکشد اما همین چند روز قبل دوباره او را در یک کافه با چندتا دختر دیدم و تصمیم گرفتم دیگر با او زندگی نکنم و دادخواست طلاق بدهم، چون این مرد توان اداره یک زندگی مشترک را ندارد و مرا خسته کرده است.»

قاضی رو به سینا کرد و گفت، پسرم حرف‌های همسرت را شنیدی چه پاسخی داری؟

سینا نگاهی به حلقه درون انگشتش کرد و گفت: «من قبول دارم که زیاد به همسرم توجه نکردم اما او هم به من توجه نکرده است. همسرم می‌گوید من کار درست و حسابی ندارم در صورتی که من یک مغازه اسباب‌بازی‌فروشی دارم و درآمدم بد نیست. از صبح تا شب سرکارم. خوب آدم خسته می‌شود، نیاز به تفریح دارد. من عاشق کافه‌گردی هستم و بیشتر کافه‌های تهران را رفته‌ام. من کار خلافی نمی‌کنم. خوب در کافه افراد دیگری هم هستند و با آنها آشنا می‌شوم و حرف می‌زنم، اینکه گناه نیست.»

مینو دستش را به نشانه اجازه گرفتن بالا آورد و گفت: «جناب قاضی هر دختری با هزار امید و آرزو ازدواج می‌کند، دلش می‌خواهد همسرش همراهش باشد. باور کنید در این چند ماه من هر جا دعوت شدم تنها رفتم چون سینا می‌گوید حوصله میهمانی و خاله‌بازی ندارم. در میهمانی‌ها همه فامیل می‌پرسند چرا شوهرت نیامد؟ من هم مدام می‌گویم مریض بود یا سرکار یا مسافرت بود تا کی دروغ بگویم به خاطر این آقا که هنوز فکر می‌کند مجرد است و مسئولیت‌پذیر نیست.» سینا در پاسخ گفت: «آقای قاضی من از جمع فامیل و میهمانی‌های آنها خسته‌ام، دوست ندارم شرکت کنم. بارها این را به همسرم گفتم اما او قبول نمی‌کند. فضای میهمانی‌هایشان سنگین است و من اذیت می‌شوم. ترجیح می‌دهم در جمع دوستانم باشم. من او را آزاد گذاشته‌ام و گفتم هر کجا که می‌خواهی برو، من مانع تو نیستم اما به من کاری نداشته باش.»

قاضی پس از شنیدن صحبت‌های این زوج گفت: «فکر می‌کنم مشکلات شما با کلاس‌های مشاوره حل می‌شود، اگر نشد برای طلاق وقت زیاد است.»

امیرحسین صفدری
کارشناس حقوق

در این پرونده می‌بینیم که عواملی مانند لجبازی‌های کودکانه، بی‌مسئولیتی، سن کم در ازدواج و برخی موارد دیگر باعث شده این زوج به فکر جدایی بیفتند. سینا هنوز نتوانسته بین زندگی متأهلی و مجردی تفکیک قائل شود. او فکر می‌کند هنوز در دوران مجردی است و می‌تواند هر کاری که دوست دارد، انجام بدهد. از طرفی در این پرونده مواردی همچون نبود شناخت کافی، انتخاب هیجانی، نبود درک متقابل و بی‌توجهی به حل مشکلات با گفت‌وگوی محترمانه و به دور از قضاوت یکدیگر و... سبب شده آنها راه‌حل مشکلات خود را در جدایی ببینند در صورتی که این زوج جوان می‌توانند با تغییر نگرش خود نسبت به زندگی و تعیین اولویت‌بندی در زندگی مشترک با صداقت، احترام، تعهد، وفاداری و مسئولیت‌پذیری یک زندگی مشترک سالم و موفق را دوباره شروع کنند چرا که پایه‌های اصلی یک زندگی مشترک سالم، صداقت، تعهد و اعتماد است.

دستگیری متهمی که لایحه جعلی ارسال می کرد

گروه حوادث/ مرد جوانی که متهم است با همدستی دوستش از چند نفر کلاهبرداری کرده در حالی دستگیر شد که همدستش همچنان فراری است.

این متهم و همدستش در شهرهای مختلف از جمله تهران و بروجرد با جعل سند و ارسال لایحه‌های جعلی برای افراد مختلف اقدام به کلاهبرداری کرده بودند؛ یکی از شاکی‌های این متهمان به «ایران» گفت: «چند سال قبل یکی از دوستانم در تهران خانه‌ای را به مبلغ ۱۵ میلیارد تومان خریداری کرد اما مشخص شد که فروشندگان سند را جعل کرده و خانه را به دوستم فروخته بودند. با شکایت از فروشندگان که دو مرد جوان بودند مشخص شد آنها با این شیوه از چند نفر دیگر نیز میلیاردی کلاهبرداری کرده‌اند. با هماهنگی دوستم به سراغ آنها رفتم تا بتوانم آنها را به دست قانون بسپاریم اما وقتی با ترفندی به آنها نزدیک شدم و می‌خواستم آنها را به تهران بکشانم تا تحویل پلیس دهم در مسیر راه به من آبمیوه مسموم داده و مرا بی‌هوش کرده و از من اثر انگشت گرفتند و پای چندین برگه سفته و چک زدند و با این ترتیب مرا ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان مقروض کردند.»

شاکی ادامه داد: «در حالی که از آنها شکایت کرده و مراحل قانونی کار در حال انجام بود ناگهان برای‌مان نامه‌ای آمد که نشان می‌داد ما از شکایت خود صرف نظر کرده و رضایت داده‌ایم. در حالی که بسیار متعجب شده و مطمئن بودم نه من و نه هیچ کدام از شاکی‌ها این لایحه را ننوشته بودیم با پیگیری ماجرا متوجه شدیم متهمان با همدستی یک زن جاعل این لایحه‌های جعلی را با مهر و امضای یک دفتر قضایی به دادگاه ارسال کرده بودند. مدت زمان زیادی طول کشید تا توانستیم ثابت کنیم لایحه‌ها جعلی بوده است و در این مدت نیز متهمان با تهدید و حتی آتش زدن محل کار من قصد داشتند ما را از ادامه شکایت و پیگیری پرونده منصرف کنند اما درنهایت یکی از متهمان به اتهام کلاهبرداری در جعل سند بازداشت شد هرچند همدست او همچنان متواری است ولی تحقیقات در این رابطه ادامه دارد و همچنان در تلاشیم تا متهم دیگری را به دست قانون بسپاریم. متهم دستگیر شده نیز در دادگاه به حبس و جزای نقدی محکوم شده است.»

حوادث جهان

نیجریه

مرگ مربی ایرانی در تصادف رانندگی

مربی بدنسازی ایرانی که سابقه همکاری با قهرمانان بزرگ جهان را داشت، در یک سانحه رانندگی در نیجریه جان خود را از دست داد.

این حادثه بامداد یکشنبه در محور لاگوس-ایبادان رخ داد؛ جایی که خودروی حامل آنتونی جاشوا، قهرمان سابق بوکس سنگین‌وزن جهان، با یک وسیله نقلیه سنگین برخورد کرد. در جریان این سانحه، سینا قائمی، مربی بدنساز ایرانی‌الاصل و یکی از همراهان جاشوا، جان خود را از دست داد و چند سرنشین دیگر از جمله خود این بوکسور مطرح دچار مصدومیت شدند.

طبق اعلام منابع رسمی پلیس نیجریه، خودرو در حال حرکت با سرعت بالا بوده و هنگام سبقت، کنترل خود را از دست داده است. شدت برخورد به حدی بود که دو نفر از سرنشینان در همان محل حادثه جان باختند. آنتونی جاشوا بلافاصله به مرکز درمانی منتقل شد و پس از انجام معاینات اولیه، وضعیت جسمانی او پایدار اعلام شد.

اسپانیا

۳ کشته در ریزش بهمن

مقامات گارد ملی اسپانیا روز سه‌شنبه اعلام کردند که دو مرد و یک زن پس از گرفتار شدن در بهمن، جان خود را از دست دادند.

به گزارش یورو نیوز، یک گروه که گفته می‌شود اهل منطقه باسک هستند، در ارتفاع حدود ۲۷۰۰ متری بودند که بهمن به آنها برخورد کرد و دو مرد و دو زن مدفون شدند. یک زن دیگر به دلیل جراحات جزئی و هیپوترمی تحت درمان پزشکی است، در حالی که دو مرد دیگر از گروه شش نفره بدون هیچ آسیبی جان سالم به در بردند.

این فاجعه در قله تابلاتو، در نزدیکی شهر آبگرم پانتیکوسا، در منطقه آراگون در شمال اسپانیا رخ داد.

نیروهای امدادی، از جمله یک بالگرد حامل یک پزشک، به سرعت به محل اعزام شدند، اما نتوانستند سه قربانی را نجات دهند.